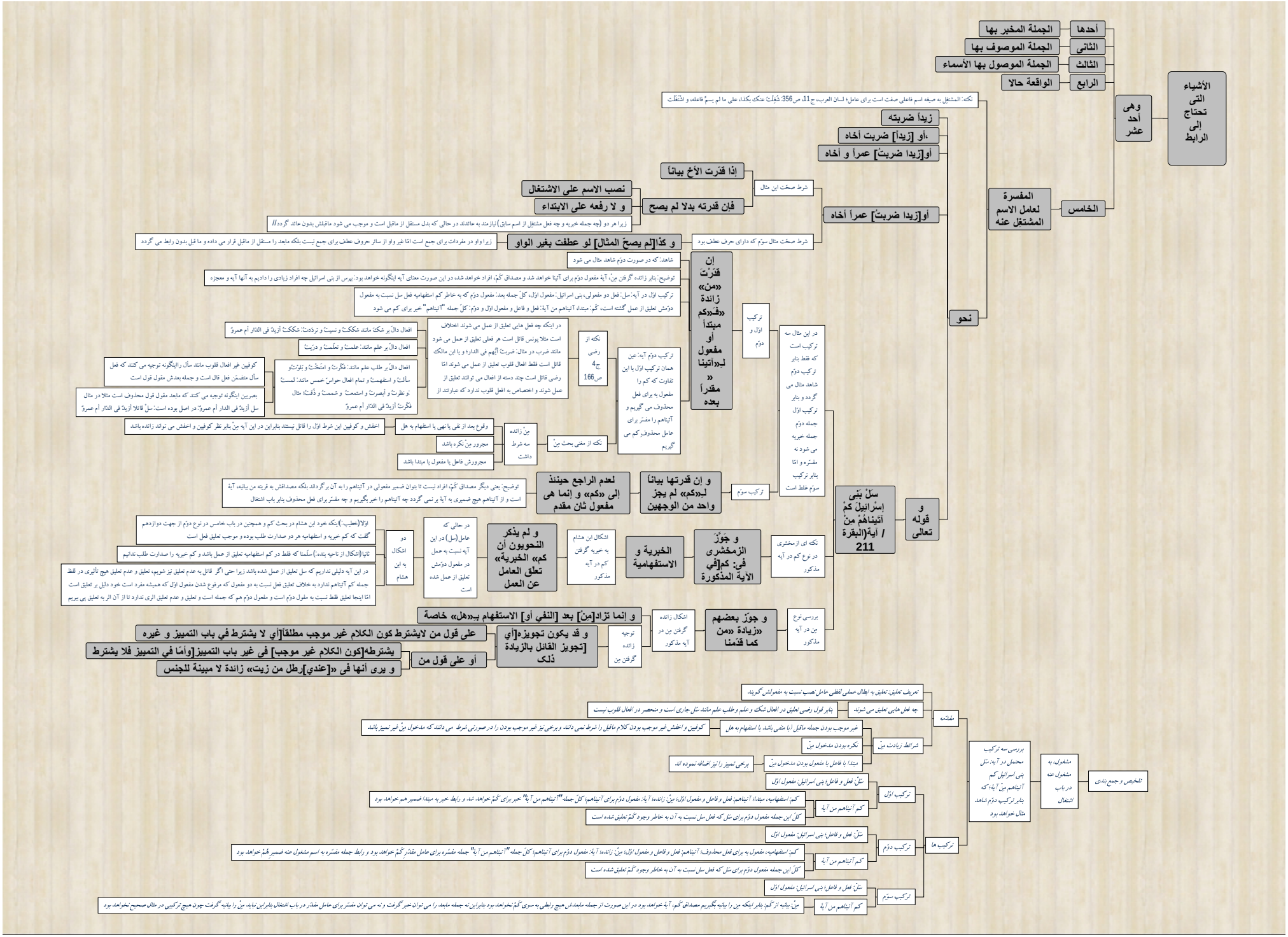
الأشياء التی تحتاج إلی الرابط
وهی أحد عشر
أحدها
الجملة المخبر بها
الثانی
الجملة الموصوف بها
الثالث
الجملة الموصول بها الأسماء
الرابع
الواقعة حالا
الخامس
المفسرة لعامل الاسم المشتغل عنه
نکته: المشتغل به صیغه اسم فاعلی صفت است برای عامل؛ لسان العرب، ج11، ص356: شُغِلْتُ عنک بکذا، علی ما لم یسمَّ فاعله، و اشْتَغَلْت
زیداً ضربته
،أو [زیداً] ضربت أخاه
أو[زیدا ضربتُ] عمراً و أخاه
أو[زیدا ضربتُ] عمراً أخاه
شرط صحّت این مثال
إذا قدّرت الأخ بیاناً
فإن قدرته بدلا لم یصح
نصب الاسم علی الاشتغال
و لا رفعه علی الابتداء
زیرا هر دو (چه جمله خبریه و چه فعل مشتغل از اسم سابق) نیازمند به عائدند در حالی که بدل مستقل از ماقبل است و موجب می شود ماقبلش بدون عائد گردد//
شرط صحّت مثال سوّم که دارای حرف عطف بود
و کذا[لم یصحّ المثال] لو عطفت بغیر الواو
زیرا واو در مفردات برای جمع است امّا غیر واو از سائر حروف عطف برای جمع نیست بلکه مابعد را مستقل از ماقبل قرار می داده و ما قبل بدون رابط می گردد
نحو
و قوله تعالی
سَلْ بَنِی إِسْرائِیلَ کَمْ آتَیْناهُمْ مِنْ آیَةٍ(البقرة / 211
در این مثال سه ترکیب است که فقط بنابر ترکیب دوّم شاهد مثال می گردد و بنابر ترکیب اوّل جمله دوّم جمله خبریه می شود نه مفسّره و امّا بنابر ترکیب سوّم غلط است
ترکیب اوّل و دوّم
إن قدّرتَ «من» زائدة «فـ«کم» مبتدأ أو مفعول لـ«آتینا» مقدراً بعده
شاهد: که در صورت دوّم شاهد مثال می شود
توضیح: بنابر زائده گرفتن مِنْ، آیهٔ مفعول دوّم برای آتینا خواهد شد و مصداق کَمْ، افراد خواهد شد، در این صورت معنای آیه اینگونه خواهد بود: پیرس از بنی اسرائیل چه افراد زیادی را دادیم به آنها آیه و معجزه
ترکیب اوّل در آیه: سل: فعل دو مفعولی، بنی اسرائیل: مفعول اوّل، کلّ جمله بعد: مفعول دوّم که به خاطر کم استفهامیه فعل سل نسبت به مفعول دوّمش تعلیق از عمل گشته است، کَمْ: مبتدا، آتیناهم من آیة: فعل و فاعل و مفعول اوّل و دوّم: کلّ جمله "آتیناهم" خبر برای کم می شود
ترکیب دوّم آیه: عین همان ترکیب اوّل با این تفاوت که کم را مفعول به برای فعل محذوف می گیریم و آتیناهم را مفسّر برای عامل محذوف کم می گیریم
نکته از رضی ج4 ص166
در اینکه چه فعل هایی تعلیق از عمل می شوند اختلاف است مثلا یونس قائل است هر فعلی تعلیق از عمل می شود مانند ضرب در مثال: ضربتُ أیّهم فی الدارِ و یا ابن مالک قائل است فقط افعال قلوب تعلیق از عمل می شوند امّا رضی قائل است چند دسته از افعال می توانند تعلیق از عمل شوند و اختصاص به افعال قلوب ندارد که عبارتند از
افعال دالّ بر شکّ: مانند شککتُ و نسیتُ و تردّدتُ: شککتُ أزیدٌ فی الدّارِ أم عمروٌ
افعال دالّ بر علم مانند: علمتُ و تعلّمتُ و دریتُ
افعال دالّ بر طلب علم مانند: فکّرتُ و امتحنْتُ و بَلوْتُو سألتُ و استفهمتُ و تمام افعال حواسّ: خمس مانند: لمستُ و نظرتُ و أبصرتُ و استمعتُ و شممتُ و ذُقتُ؛ مثال فکّرتُ أزیدٌ فی الدّارِ أم عمروٌ
کوفیین غیر افعال قلوب مانند سأل رااینگونه توجیه می کنند که فعل سأل متضمّن فعل قال است و جمله بعدش مقول قول است
بصریین اینگونه توجیه می کنند که مابعد مقول قول محذوف است مثلا در مثال سل أزیدٌ فی الدار أم عمروٌ: در اصل بوده است: سلْ قائلا أزیدٌ فی الدّارِ أم عمروٌ
نکته از مغنی بحث مِنْ
مِنْ زائده سه شرط داشت
وقوع بعد از نفی یا نهی یا استفهام به هل
مجرور مِنْ نکره باشد
مجرورش فاعل یا مفعول یا مبتدا باشد
اخفش و کوفیین این شرط اوّل را قائل نیستند بنابراین در این آیه مِنْ بنابر نظر کوفیین و اخفش می تواند زائده باشد
ترکیب سوّم
و إن قدرتها بیاناً لـ«کم» لم یجز واحد من الوجهین
لعدم الراجع حینئذ إلی «کم» و إنما هی مفعول ثان مقدم
توضیح: یعنی دیگر مصداق کَمْ، افراد نیست تا بتوان ضمیر مفعولی در آتیناهم را به آن برگرداند بلکه مصداقش به قرینه من بیانیه، آیهٔ است و از آتیناهم هیچ ضمیری به آیهٔ بر نمی گردد چه آتیناهم را خبر بگیریم و چه مفسّر برای فعل محذوف بنابر باب اشتغال
نکته ای ازمخشری در نوع کم در آیه مذکور
و جوّز الزمخشری فی: کم[فی الآیة المذکورة
الخبریة و الاستفهامیة
اشکال این هشام به خبریه گرفتن کم در آیه مذکور
و لم یذکر النحویون أن کم» الخبریة» تعلق العامل عن العمل
در حالی که عامل (سل) در این آیه نسبت به عمل در مفعول دوّمش تعلیق از عمل شده است
دو اشکال به این هشام
اولا(جلیب:)اینکه خود ابن هشام در بحث کم و همچنین در باب خامس در نوع دوّم از جهت دوازدهم گفت که کم خبریه و استفهامیه هر دو صدارت طلب بوده و موجب تعلیق فعل است
ثانیا(اشکال از ناحیه بنده:) سلّمنا که فقط در کم استفهامیه تعلیق از عمل باشد و کم خبریه را صدارت طلب ندانیم
در این آیه دلیلی نداریم که سل تعلیق از عمل شده باشد زیرا حتی اگر قائل به عدم تعلیق نیز شویم، تعلیق و عدم تعلیق هیچ تأثیری در لفظ جمله کم آتیناهم ندارد به خلاف تعلیق فعل نسبت به دو مفعول که مرفوع شدن مفعول اوّل که همیشه مفرد است خود دلیل بر تعلیق است امّا اینجا تعلیق فقط نسبت به مفول دوّم است و مفعول دوّم هم که جمله است و تعلیق و عدم تعلیق اثری ندارد تا از آن اثر به تعلیق پی ببریم
بررسی نوع مِن در آیه مذکور
و جوّز بعضهم «زیادة «من کما قدّمنا
اشکال زائده گرفتن مِن در آیه مذکور
و إنما تزاد[مِنْ] بعد [النفي أو] الاستفهام بـ«هل» خاصة
توجیه زائده گرفتن مِن
و قد یکون تجویزه[أي [تجویز القائل بالزیادة ذلک
علی قول من لایشترط کون الکلام غیر موجب مطلقا[أي لا یشترط في باب التمییز و غیره
أو علی قول من یشترطه[کون الکلام غیر موجب] فی غیر باب التمییز[وأمّا في التمییز فلا یشترط
و یری أنها فی «[عندي]رطل من زیت» زائدة لا مبینة للجنس
مقدّمه
تعریف تعلیق: تعلیق به ابطال عملی لفظی عامل نصب نسبت به مفعولش گویند.
چه فعل هایی تعلیق می شوند.
بنابر قول رضی تعلیق در افعال شک و علم و طلب علم مانند سَل جاری است و منحصر در افعال قلوب نیست
شرائط زیادت مِنْ
غیر موجب بودن جمله ماقبل (یا منفی باشد یا استفهام به هل
کوفیین و اخفش غیر موجب بودن کلام ماقبل را شرط نمی دانند. و برخی نیز غیر موجب بودن را در صورتی شرط می دانند که مدخول مِنْ غیر تمییز باشد.
نکره بودن مدخول مِنْ
مبتدا: یا فاعل یا مفعول بودن مدخول مِنْ
برخی تمییز را نیز اضافه نموده اند
ترکیب ها
ترکیب اوّل
سَلْ: فعل و فاعل: بنی اسرائیل: مفعول اوّل
کم: استفهامیه، مبتدا؛ آتیناهم: فعل و فاعل و مفعول اوّل؛ مِنْ: زائده؛ آیة: مفعول دوّم برای آتیناهم؛ کلّ جمله "آتیناهم من آیة" خبر برای کَمْ خواهد شد. و رابط خبر به مبتدا ضمیر هم خواهد بود
کم آتیناهم من آیة
کلّ این جمله مفعول دوّم برای سَل که فعل سل نسبت به آن به خاطر وجود کَمْ تعلیق شده است
ترکیب دوّم
سَلْ: فعل و فاعل: بنی اسرائیل: مفعول اوّل
کم: استفهامیه، مفعول به برای فعل محذوف؛ آتیناهم: فعل و فاعل و مفعول اوّل؛ مِنْ: زائده؛ آیة: مفعول دوّم برای آتیناهم؛ کلّ جمله "آتیناهم من آیة" جمله مفسّره برای عامل مقدّر کَمْ خواهد بود و رابط جمله مفسّره به اسم مشغول عنه ضمیر هُمْ خواهد بود
کم آتیناهم من آیة
کلّ این جمله مفعول دوّم برای سَل که فعل سل نسبت به آن به خاطر وجود کَمْ تعلیق شده است
ترکیب سوّم
سَلْ: فعل و فاعل: بنی اسرائیل: مفعول اوّل
کم آتیناهم من آیة
مِنْ بیانیه. از کَمْ. بنابر اینکه مِن را بیانیه بگیریم مصداق کَمْ، آیة خواهد بود در این صورت از جمله مابعدش هیچ رابطی به سوی کَمْ نخواهد بود بنابراین نه جمله مابعد را می توان خبر گرفت و نه می توان مفسّر برای عامل مقدّر در باب اشتغال بنابراین نباید مِنْ را بیانیه گرفت چون هیچ ترکیبی در مثال صحیح نخواهد بود
مشغول، به مشغول عنه در باب اشتغال
بررسی سه ترکیب محتمل در آیه: سَل بنی اسرائیل کَم آتیناهم مِنْ آیة؛ که بنابر ترکیب دوّم شاهد مثال خواهد بود
تلخیص و جمع بندی